



فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی

شماره ششم، تابستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۸۴-۱۰۴

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان

محمد پورقربان^۱

حمیدرضا تبشیری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

امروزه حکمرانی خوب به‌عنوان یکی از موضوعات محوری است که مورد توجه اندیشمندان سیاسی و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است. به‌طوری‌که بسیاری از نهادهای بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل اقدام به نوشتن شاخص‌های در جهت این امر کرده‌اند و آن را به کشورها به‌عنوان برنامه معرفی می‌کنند. از همین رو، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال هست که چه نسبتی بین حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان با شاخص‌های نهادهای ذکر شده وجود دارد. فرضیه اصلی پژوهش حاضر آن است که در اندیشه سیاسی نوصدرائیان شاخص‌های یادشده جزء مبانی بنیادین فکری آن‌ها یادشده و از اصول اساسی در تشکیل حکومت در اندیشه آن‌ها می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان از آن دارد که اندیشه سیاسی نوصدرائی که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی ظهور و بروز یافته و با پیروزی انقلاب اسلامی در قانون اساسی تجلی پیدا نمود به موضوع حکمرانی خوب و اصول آن به جهت زیربنایی بودن آن‌ها در منابع فقهی و تفکری پیش‌تر مورد توجه بوده است. همچنین باید اشاره داشت پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی، تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای تهیه شده است.

کلمات کلیدی

حکمت متعالیه، حکمرانی خوب، سیاست، آزادی، عدالت

۱- گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. mhpor@yahoo.com

۲- گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول) drhamidrezatabshiri@gmail.com

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نو صدرائیان/پورقربان و تبشیری

مقدمه

طی سال‌های گذشته، توسعه پایدار محور برنامه‌های توسعه نهادهای بین‌المللی بوده است. ضرورت حفظ محیط‌زیست، کاهش فقر، افزایش سواد و دانش و بهداشت از موضوعاتی نیست که بتوان با الگوهای توسعه عصر صنعتی به آن‌ها دست‌یافت. همه دولت‌ها، یا به تعبیر درست‌تر، بسیاری از آن‌ها به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آن بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هر چه بهتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آن‌ها به ارمغان آورند (نادری، ۱۳۹۰: ۷۰). از سویی دیگر، فرآیند جهانی‌شدن و افزایش آگاهی‌های عمومی در خصوص حقوق قانونی خود و انتظارات اجتماعی جدید، ضرورت پاسخگویی در تمامی بخش‌ها و افزایش اثربخشی سیاست‌ها در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را ایجاب کرده است.

در همین راستا، در جهان متحول امروز، نقش دولت نیز متحول و مسئولیت آن متفاوت خواهد بود. دولت‌ها به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنان بایستی با افزایش قابلیت‌های خود از طریق بازدمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی، توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. این مهم نیازمند الگوهای جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه در بخش‌های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود تا تولید و ارائه خدمات عمومی را حداکثر ساخت. لذا، الگوی «حکمرانی خوب»^۱ می‌تواند نظریه‌ای نوین در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت‌های جدید باشد. الگویی که می‌تواند راه برون‌رفت از وضعیت فعلی و روشی برای ارائه خدمات عمومی بهتر باشد (شریف‌زاده‌وقلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۴). بنابراین، پس از فراز نشیب‌های پیاپی در سیر تحول اندیشه توسعه، نظریه حکمرانی یعنی نحوه اداره کشور، شیوه تصمیم‌گیری و چگونگی تعامل بین دولت و مردم و در نهایت نظریه حکمرانی خوب به‌عنوان بنیان توسعه، پدیدار گشته است. این نظریه به دنبال یافتن ویژگی‌ها و پیش‌نیازهای توسعه است و بیش از هر عامل دیگری بر تحول نهادها و ساختارهای درونی و قوانین رسمی و غیررسمی جوامع برای دست یافتن به آن تأکید می‌ورزد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۵).

حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده است. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن‌ها، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را داشته باشند (کویمن^۲، ۲۰۰۳: ۷۴). در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی ارتباط نزدیکی وجود دارد. شراکت موجود سبب می‌شود که از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری شود. وجود

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

ارتباط صحیح بین سه رکن یادشده زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد. در حکمرانی خوب این سه رکن به‌عنوان عناصر اصلی محسوب می‌شود.

در همین زمینه، یکی از مبانی توسعه در هر جامعه‌ای اندیشه و تفکر توسعه است که می‌تواند در راستای شکل‌گیری الزامات حکمرانی خوب تدوین شوند.

ابتدا باید اشاره کرد که هدف از این پژوهش بر آن است با توجه به اینکه امروزه اندیشه حکمرانی خوب که توسط صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل مطرح شده که یک الگوی غربی است که پیش روی ماست و ایران به‌عنوان کشوری در حال پیشرفت و توسعه و داعیه‌دار نظامی تمدن ساز لازم است ابعاد حکمرانی خوب آن، مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، در پژوهش حاضر بر آنیم به مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه نوصدرائیان که از آن‌ها به‌عنوان بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود را مشخص کنیم. لذا، سؤال این پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود که چه نسبی بین حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان بر اساس شاخص‌های نهادهای ذکر شده وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه اصلی پژوهش حاضر، این است که در اندیشه سیاسی نوصدرائیان مؤلفه‌های یادشده جزء مبانی بنیادین فقهی و فلسفی یادشده آن‌ها بوده و از اصول اساسی و ابتدایی تشکیل حکومت در اندیشه آن‌ها می‌باشد. همچنین باید اشاره داشت پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی، تحلیلی می‌باشد و از روش کتابخانه‌ای با استفاده از اسناد و مدارک، منابع کتابخانه‌ای استفاده می‌شود.

اهمیت موضوع از آن جهت است که بررسی نسبت سنجی حکمرانی خوب در قوانین و برنامه‌های توسعه ج.ا. ایران می‌تواند علاوه بر شناسایی دقیق و درست این برنامه‌ها و قوانین و میزان سازگاری آن‌ها با الگوی حکمرانی خوب، نقاط ضعف و قوت این قوانین و برنامه‌ها را نیز مورد شناسایی قرار دهد.

پیشینه پژوهش

در زمینه حکمرانی خوب و ارتباط آن با حوزه‌های مختلف در سال‌های اخیر آثار چندی به تحریر درآمده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

فرهاد رهبر و حسین حسینی میر شجاعیان در مقاله‌ی خود تحت عنوان «شناخت روابط علی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای در مخاطره نفرین منابع طبیعی» بررسی نسبتاً جامعی از مؤلفه‌های حکمرانی به عمل آورده و بر آن‌اند که در مواردی که کشورها از نوعی درآمد رانتی برخوردار باشند، طبیعتاً شاخص‌های حکمرانی با افول و رشد حداقلی روبرو می‌شوند. از این رو می‌توان چنین تصور کرد که ورود یک متغیر میانجی به بحث نظیر استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی می‌تواند به رشد

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نو صدرائیان/پورقربان و تبشیری

کارایی و شفافیت و نیز افزایش پاسخ‌گویی در کشورهای یادشده یاری رساند. از آنجاکه کشور ما نیز به درآمد نفت وابستگی داشته و از جمله کشورهای رانتی محسوب می‌شود بخش نظری و مسئله پژوهش رهبر و میر شجاعیان از جمله حوزه‌های مفید برای پژوهش محسوب می‌شوند (رهبر، ۱۳۹۰).

مرتضی سامتی، همایون رنجبر و فضیلت محسنی نیز در مقاله خود با عنوان «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی» نیز به بررسی دقیق حکمرانی و توسعه پرداخته‌اند (سامتی، ۱۳۹۰). این نویسندگان در مقاله خود از رهگذر ارائه آمار و ارقام در باب کشورهای جنوب شرق آسیا مطالعه‌ای نسبتاً جامع از همبستگی این دو مفهوم ارائه داده‌اند. این مقاله نیز وجه توصیفی داشته و نوعاً بر پایه‌ی آمار و داده‌های عینی و اقتصادی تألیف شده و از همین رو بیشتر جنبه‌ی اقتصادی و متغیرهای اقتصادی دخیل در توسعه را مدنظر قرار داده است.

دباغ و نفری در مقاله «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب» به تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب می‌پردازند. از نظر آن‌ها وصف خوبی یک صفت واقعی و خارجی است که با عالم واقع نسبتی دارد. این وصف بر سایر اوصاف مانند عدالت، آزادی، شفافیت، حاکمیت قانون و غیره سوار می‌شود و غیرقابل تحویل به هر یک از مؤلفه‌هاست و خوبی در عرض سایر اوصاف قرار نمی‌گیرد مثلاً در عبارت «حکمرانی بر مبنای آزادی، مشارکت و شفافیت خوب است» این اوصاف در ذیل خوبی قرار گرفته‌اند. حکمرانی خوب در شرایط و بسترهای مشابه مؤلفه‌ها و مقولات نظیر یکدیگر رادارند (دباغ و نفری، ۱۳۸۸: ۱۴-۱۵).

جاسبی و نفری در مقاله «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز» ضمن مرور ادبیات حکمرانی، نگاهی تازه به این مقوله دارند. در این راستا با بهره‌گیری از مفهوم تصمیم‌گیری به‌عنوان جوهره حکمرانی از دید نویسندگان، سه ویژگی حکمرانی خوب یعنی، کارایی، اثربخشی و تعادل مطرح می‌شود. از نظر نویسندگان مقاله حکمرانی خوب سیستمی متشکل از ویژگی‌های فرآیندی (ابزاری) و غایتمند (ارزشی) در تمام حوزه‌های اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بر این اساس توسعه حاصل تعادل و روند افزایشی کارایی و اثربخشی است. (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸: ۸۵)

مهری پرگو در مقاله «حکمرانی خوب و جامعه رانتیر» با پیش‌فرض دانستن اینکه حکمرانی نقشی اساسی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند می‌کوشد تا ویژگی‌های حکمرانی را از دو منظر استقلال و اندازه آن‌ها بررسی و مفهوم دیوان‌سالاری رانتی را تبیین کند. این مقاله نشان می‌دهد که درآمدهای رانتی به‌ویژه نفت، تأثیری منفی هم در استقلال و هم‌اندازه حکمرانی دارد و نهایتاً بر کارآمدی تأثیر می‌گذارد، به‌گونه‌ای که از استقلال آن می‌کاهد و بر اندازه آن به‌گونه‌ای می‌افزاید که مانع عملکرد مثبت آن در

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

جهت توسعه و تحول اقتصادی می‌شود (مهری پرگو، ۱۳۸۸: ۶۸)

یزدانی ز نور در مقاله «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب» با تأکید بر مؤلفه‌هایی که بانک جهانی را مورد حکمرانی در گزارش ۱۹۹۲ خود با عنوان «حکمرانی و توسعه» بیان کرده است و چهارعنصر اصلی حکمرانی خوب را برشمرده است، شفافیت را یکی از عناصر اصلی حکمرانی خوب مطرح کرده است. علاوه بر نقش ابزاری شفافیت در نیل به توسعه، قلع فساد، بهبود حاکمیت قانون و پاسخگویی و کارکرد سیستم دموکراتیک، حق بر دسترسی به اطلاعات و حق بر دانستن از حقوق بنیادی بشر نیز قلمداد می‌شود. نویسنده در این مقاله بر نقش شفافیت در نیل به حکمرانی خوب به‌عنوان بستری مساعد برای برخورداری از حقوق بشر و مکانیزم‌های ایجاد و تداوم شفافیت تأکید می‌کند (یزدانی ز نور، ۱۳۸۸: ۴۹)

ناظمی اردکانی در مقاله «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» با مطالعه و جستجو در قانون اساسی ایران، الگویی از حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی ارائه می‌کند و وجوه متمایز و مشترک آن با حکمرانی خوب را به تصویر درمی‌آورد. نویسنده با دیدی منفی به حکمرانی بر آن است که حکمرانی خوب نقشه راهی است که کشورهای مسلط در جهان و کشورهای غربی پیش روی کشورهای جهان سوم گذاشته‌اند و حرکت روی این نقشه، تأمین و تضمین‌کننده منافع کشورهای مسلط است. در نتیجه حکمرانی خوب نمی‌تواند الگو و برنامه متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری به‌ویژه کشورهای در حال توسعه باشد. در عوض حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی که تجلی آن در جمهوری اسلامی و قانون اساسی ایران و دستورهای اسلام و مردم‌سالاری دینی است می‌تواند جایگزین حکمرانی خوب غربی شود. (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۰۸)

شریف‌زاده و قلی پور در مقاله «حکمرانی خوب و نقش دولت» به این مسئله می‌پردازند که دولت چه جایگاهی در تحقق حکمرانی خوب دارد. از نظر آن‌ها نظریه حکمرانی خوب که با ویژگی‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی و حاکمیت قانون تعریف می‌شود می‌تواند الگویی برای توسعه پایدار انسانی با سازوکار تعامل عملی سه بخش دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی باشد. این الگو به دنبال نقش حداقل دولت و توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی می‌باشد. در این راستا بر رفتار تعاملی سه بخش دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید می‌شود و اینکه دولت باید نقش هماهنگ‌کننده و تنظیم‌گر خود را تقویت کرده و به‌جای تصدی‌گری به تنظیم و تسهیل روابط بپردازد. (شریف‌زاده و قلی پور، ۱۳۸۲: ۹۳)

همچنین کتاب «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت» تألیف رحمت‌الله قلی پور نیز از جمله آثار

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نو صدرائیان/پورقربان و تبشیری

است که نقش دولت را در کشورداری و بررسی الگوهای دولت در حکمرانی و مفاهیم مرتبط با حکمرانی خوب، بررسی می‌کند (قلی پور، ۱۳۸۷: ۶۶). با عنایت به مضامین این کتاب، بی‌تردید دولت به‌عنوان یکی از سه رکن حوزه حکمرانی، در تحقق اهداف نقش مؤثر و سازنده‌ای دارد و با سیاست‌ها و راهبردهای توسعه‌ای خود می‌تواند در تسهیل حکمرانی خوب، مؤثر باشد. این اثر از چهار فصل با عنوان‌های «تعاریف و روندها»، «حکمرانی خوب، الگوی جدید توسعه»، «الگوی دولت در حکمرانی خوب» و «زمینه‌یابی الگوی پیشنهادی دولت در ایران» تشکیل شده است. نویسنده در نخستین فصل این کتاب به تعاریف، روندها و مفاهیم مرتبط با حکمرانی و سیر تحولات آن و در فصل بعد به تعریف و تبیین نظریه حکمرانی خوب به‌عنوان الگوی جدید توسعه می‌پردازد و خاستگاه این نظریه در غرب را بررسی می‌کند. وی در فصل سوم نیز الگوی دولت در حکمرانی خوب را تبیین و تشریح می‌کند. فصل چهارم به بررسی زمینه‌ها و بسترهای ساختاری تحقق الگوی پیشنهادی دولت در ایران می‌پردازد.

در نهایت در تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی تحقیقات انجام‌شده باید اذعان کرد آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های انجام‌شده پیشین متمایز می‌سازد این است که در این پژوهش تلاش می‌شود که به دنبال ارائه یک الگوی حکمرانی خوب بر اساس نگرشی اسلامی و ایرانی ارائه را دهد که به توسعه ج.ا.ایران کمک شایانی می‌کند؛ در حالی که در سایر پژوهش‌های انجام‌شده پیشین هیچ‌گونه تلاش منسجمی در این زمینه صورت نگرفته است و تحقیقات انجام‌شده پیشین صرفاً بر روی موضوعاتی همچون شاخص‌ها و مؤلفه‌های حکمرانی خوب غربی، حکمرانی خوب را به‌عنوان یک الگو جهت کارآمدی دولت‌ها و یا روش‌های تحقق آن متمرکز بوده است.

چارچوب مفهومی و نظری حکمرانی خوب

گرچه حکمرانی بحث جدیدی نیست و سابقه‌ای طولانی شاید به عمر بشر دارد، اما معنای جدید آن با رشد نهادهای بین‌المللی و از دهه هشتاد به بعد میلادی به تدریج مطرح و شکوفا شد. مفهوم حکمرانی از جمله موضوعات میان‌رشته‌ای و وام‌دار رشته‌های حقوق، جامعه‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و سیاست است. حکمرانی، فرآیندی است که طی آن گروهی از مردم به نمایندگی از آن‌ها تصمیم می‌گیرند و گروهی دیگر به نمایندگی از آن‌ها و تحت نظارت آن‌ها اجرا می‌نمایند.

واژه حکمرانی ترجمه‌ای از واژه یونانی «Kubernan» به معنای رهبری و هدایت کردن است؛ افلاطون این واژه را به‌منظور تبیین کم و کیف اداره‌ی یک نظام حکومتی به‌کاربرده است. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه‌ی «Gubernane» تغییر یافت که خود به معنای راندن، حکمرانی کردن یا رهبری

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

می‌باشد. بر این اساس حکمرانی به‌مثابه «عمل یا شیوه حکومت کردن و یا کارکرد حکومت» تلقی می‌شود (کایر، ۱۳۸۶: ۳).

در فرهنگ لغت آمریکایی، حکمرانی به معنای فعالیت، شیوه و عمل یا قدرت حکم راندن دولت تعبیر شده است و در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، منظور از حکمرانی، فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت زیردستان و مجموعه‌ای از قوانین تعریف شده است (یوهانسون، ۱۳۸۳: ۱۹۳). طبق تعریف بانک جهانی، حکمرانی به‌عنوان روشی که در آن قدرت در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی یک کشور اعمال می‌شود تعبیر شده و مشتمل بر سه جنبه است:

۱- تشکل نظام سیاسی

۲- فرآیندی که از طریق آن مصالح عمومی حفظ و مدیریت منابع اعمال می‌شود

۳- ظرفیت دولت برای تنظیم و اجرای سیاست‌ها و اعمال وظایف (عبدل‌توفیق، ۱۳۸۲: ۵)

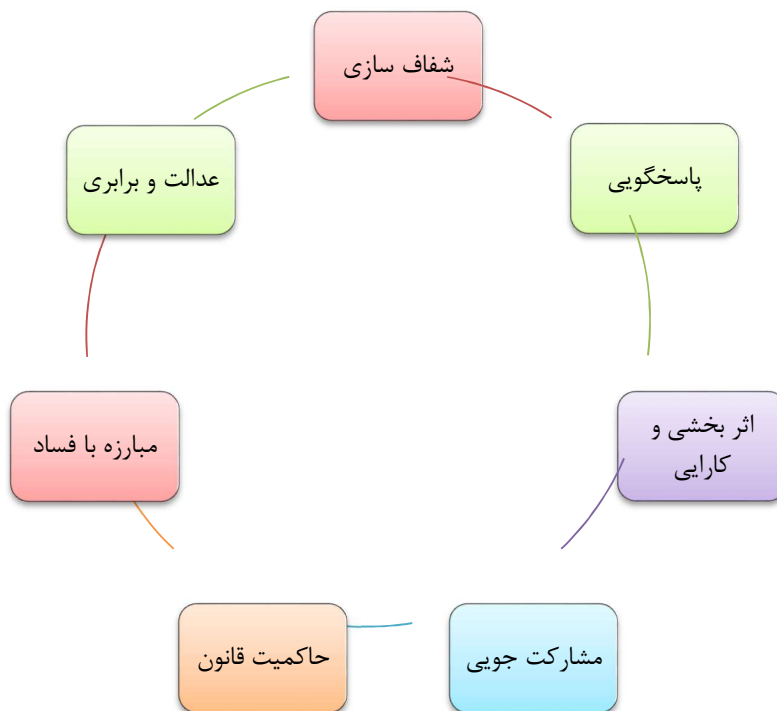
«برنامه توسعه ملل متحد»^۳ حکمرانی را نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادهایی تعریف کرده که به‌وسیله آن جامعه، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و جامعه مدنی مدیریت می‌کند. در تعریفی دیگر که بر ماهیت سیاسی و جنبه‌های مدیریتی حکمرانی تأکید دارد، حکمرانی را به معنای استفاده از اختیارات سیاسی و اعمال کنترل بر جامعه و مدیریت منابع به‌منظور توسعه اجتماعی و اقتصادی تعریف کرده است.

تعریف دیگری که در خصوص حکمرانی وجود دارد گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی یا همسایگی جهانی ما (۱۹۹۵) است. در حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادهای عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرآیندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز کرده و اقدام همکاری جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده‌اند. همچنین قراردادهای غیررسمی که مردم و نهادها بر سر آن‌ها توافق کرده‌اند.

برنامه عمران سازمان ملل متحد^۴ نیز خصوصیات و شاخص‌هایی را به شرح زیر برای حکمرانی خوب تعریف کرده است: کمیته حقوق بشر طی قطعنامه ۶۴ در سال ۲۰۰۰ میلادی شاخص‌های اصلی حکمرانی خوب را مشارکت، پاسخگویی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و شفافیت معرفی می‌کند. در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، کمیته مشورتی سازمان ملل نیز راجع به مسائل اجرایی و برنامه‌ای، جدولی از شاخص‌ها را جهت همکاری با سازمان ملل تعیین کرده است. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: مشارکت، حقوق بشر،

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان/پورقربان و تبشیری

حاکمیت قانون، پاسخگویی، دولت الکترونیکی (باطنی و یزدان شناس، ۱۳۸۵: ۶۹). در حال حاضر ۷ شاخصه به عنوان مؤلفه‌های حکمرانی خوب، به سبب اتفاق نظر بیشتر به روی آن‌ها تحت عنوان شاخص‌های اصلی معرفی شده‌اند. (باطنی و یزدان شناس، ۱۳۸۵: ۶۹)



نمودار ۱-۱ شاخص‌های حکمرانی خوب

یافته‌های پژوهش (نسبت سنجی)

حکمت سیاسی متعالیه ملاصدرا^۵

امروزه حکمت متعالیه یکی از گفتمان‌های عمده و تأثیرگذار در جهان اسلام و قرون اخیر بوده که توانست با جمع سالم میان دیگر مشارب فکری، گام نوینی را در جریان فکر فلسفی بوجود آورد. حضور فعال و اثربخش حکمت متعالیه در جریان‌های علمی معاصر، موجب نوآوری‌هایی در علوم مختلف همچون کلام، حدیث، عرفان، تفسیر و اصول فقه و سیاست شده است. در کنار اینکه این روش دستگاه فکری از جامع روش‌هاست «فلسفی، عرفان، کلام و شهود» بهره برده است و به حد اعلی نیز با تفکر شیعه پیوند

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

خورده است.

از نگاه مکتب حکمت متعالیه اسلام آخرین و کامل‌ترین دین الهی است که فرامین آن به صورت مجموعه قوانین عبادی سیاسی، برای تنظیم امور معاش دنیا و سعادت آخرت نازل شده است؛ و برای اجرایی شدن فرامین الهی احتیاج به حکومتی اسلامی است که در صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص) در رأس آن حکومت قرار داشت. پیامبر اسلام ص به امر خداوند جانشین خود را به‌عنوان امام معصوم علیهم‌السلام معرفی کرد که علاوه بر تشریح و تبیین دین، به اجرای فرامین الهی در جامعه بشری اقدام کنند؛ و همچنین در زمان غیبت کبری امام زمان (ع) علمای اسلام (مجتهدین) جانشینان ائمه معصومین (ع) قرار داده‌شده‌اند تا جامعه انسانی را با تشریح و تبیین و اجرای قوانین الهی هدایت کنند.

شاگردان صدرالمتألهین بعد از او گرچه زحمات زیادی بر شرح و تفسیر آثار وی کشیدند، اما هیچ‌کدام نتوانستند آموزه‌های گسترده صدرالمتألهین را در حکمت متعالیه، خصوصاً اسفار، ادامه دهند. از شاگردان بی‌واسطه صدرالمتألهین می‌توان به ملامحسن فیض کاشانی، ملارجب علی تبریزی، ملاشمس گیلانی، آقا جمال خوانساری، سید احمد علوی و قاضی سعید قمی و بسیاری دیگر از شخصیت‌های مشهور، اشاره کرد. در سلسله شاگردان باواسطه ملاصدرا که سهم بسیاری در انتقال میراث فلسفی صدرالمتألهین داشته است می‌توان به شیخ محمد بیدآبادی^۷ اشاره کرد که همه‌ی اساتید و فیلسوفان پیرو مکتب صدرایی، شاگردان بی‌واسطه و یا باواسطه او هستند. از شاگردان شیخ می‌توان به ملا علی نوری، مدرس بزرگ حکمت متعالیه و سید صدرالدین کاشف دزفولی، عارف مشهور، اشاره کرد که تحولی اساسی در عصر قاجاریه ایجاد کردند.

با شروع قرن دوازدهم (ه.ش) حکمت متعالیه یکی از بزرگ‌ترین اصحاب خود به نام ملاعبداله زنوزی را به خود دید که شاگردانی همچون سید حسین بادکوبه‌ای (استاد فلسفه علامه طباطبایی) را تربیت کرد و نقش بسزایی در انتقال این مشرب فکری به قرن جدید ایجاد کرده است.

نوصدرائیان

در دوران معاصر، مسلمانان در مواجهه با پدیده تمدن غرب و قدرت آن، از جهات فکری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره در وضعیت هویتی و تاریخی جدیدی قرار گرفتند و برخی از متفکران، بخش قابل‌ملاحظه‌ای از کوشش‌های فکری خود را در نقاط مختلف جهان اسلام، به بررسی این وضع و اتخاذ موضع در برابر آن اختصاص دادند در این میان، فلسفه نو صدرایی، از مهم‌ترین جریان‌های فکری‌ای است که ضمن توجه به تعارضات سنت و مدرنیته، با ارائه نگرشی بدیع، در صدد ارائه راهی برای درمان این

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان/پورقربان و تبشیری

درد بوده است. امام خمینی (ع^ه)، علامه طباطبایی (رض^ه)، شهید مرتضی مطهری (ع^ه)، از جمله شاخص‌ترین این حکما هستند که در فاصله دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ شمسی سال‌های پر فراز و نشیبی را هم از لحاظ سیاسی و هم به لحاظ فکری پشت سر گذاشت. علامه طباطبایی و شاگرد شهید ایشان، استاد مطهری از جمله شخصیت‌های بودند که در این بازه زمانی از جهت خط فکری و سیاسی مطرح و اثرگذار شده‌اند و به‌نحوی که آثار آن‌ها به منزله پشتوانه ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظام سیاسی و پشتوانه‌های دینی داعیه‌دار اندیشه‌هایی در باب سعادت بشری است که قسمت مهمی از آن‌ها در آثار علامه طباطبایی و شهید مطهری مورد بحث و تفحص قرار گرفته و بسط یافته است. برخی صاحب‌نظران، علامه طباطبایی و شاگردان وی را فیلسوفان نو صدایی می‌نامند.

حاکمیت قانون

حاکمیت قانون به مفهوم آنگلوساکسون به عقیده عده‌ای از نزاع بین فرمانروایان و مردم بر سر موضوع اطاعت از پادشاه به‌شرط احترام او به قانون سرچشمه می‌گیرد. اجبار پادشاه به احترام و رعایت قانون رفته‌رفته، به مطالبه تنظیم حقوق شهروندی در قانون اساسی و تضمین آن‌ها توسط مقامات حکومتی گردیده است و درنهایت به چارچوب‌بندی قدرت انجامید (مرکزالمیری، ۱۳۸۲: ۷).

در نهضت حقوقی-سیاسی غرب، حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخصی معنا شده است. از نظر فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو تا نظریه‌پردازان معاصر بر این معنا که در واقع مفهوم حاکمیت قانون است، تأکید کرده‌اند (مرکزالمیری، ۱۳۸۵: ۲۱).

برخلاف نظرات غربی نوصدرائیان، (قانون و شریعت) برای سعادت (فردی، جمعی و اخروی) وضع می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۷۸). حضرت امام خمینی (ره) درباره حاکمیت قانون اشاره می‌دارند: "از صدر عالم تاکنون تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقرار کردن قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند." (خمینی موسوی، ۱۳۷۸: ۲۹)

استاد مطهری نیز معتقد است هر نوع قانونی از بی‌قانونی بهتر است. ایشان می‌نویسند: (در زمانه کنونی، قانون - به‌جای عشیره و قبیله - چونان ابزاری برای عدالت و خوشبختی است و نظامی برای جزا و پاداش قراردادی اجتماع ارائه می‌کند که حاوی نوعی بی‌طرفی قانونی است؛ قوانین و مقررات موضوعه دین هم از همین منطبق پیروی می‌کنند و ناظر به قراردادهای اجتماعی هستند) (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۷: ۷)

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

۲) بر این پایه، یکی از ویژگی‌های خوشبختی جمعی و زندگی سالم اجتماعی، حرمت قوانین و حدود حقوق دیگری است (همان، ۱۳۷۲، ج ۲: ۴۹). در دید استاد مطهری، قوانین و شرایع، از جهات مهم دیگری نیز به قوام جامعه و نظام سیاسی کمک می‌کنند: قانون و شریعت با در نظر گرفتن امور ثابت (مبتنی بر فطرت بشر) و متغیر (مبتنی بر مقتضیات زمان) جامعه، وضع می‌گردد و ضمن حفظ مصالح و شروط اصلی خوشبختی، به پویایی حیات نیز نظر دارد؛ همچنین قانون و شریعت، در زمینه تنظیم رابطه فرد و جمع و ترجیح منافع جمع یا آزادی شخص، مصلحت سنجی و اولویت‌بندی می‌کند (همان، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۳).

استاد مطهری معتقدند که قوانین که ساخت دست بشر می‌باشند به تکامل روحی و معنوی فرد توجه ندارد. به نظر ایشان این نظام‌ها برای تمام و کمال شدن ضمانت‌ها و شرایط سعادت جمعی، فضیلت‌های اخلاقی و معنوی شخص به میدان نمی‌آیند. ایشان نفس و روح آدمی را دشمنان اصلی عدالت، آزادی، امنیت و سعادت می‌داند و کم‌توجهی به ایمان، آزادی معنوی و تقوای فردی و جمعی، قدرت اجرایی و ضمانت اصلی را از تمدن و قوانین مدرن گرفته است. در صورتی که زهد عارفانه - که منجر به ایثار و همدردی است؛ و تقوا، رابطه با خود (انسانی و حیوانی) و دیگری را سامان می‌بخشد و از فساد اخلاقی که از ملزومات سعادت و خوشبختی جامعه است، جلوگیری می‌کند (همان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۹۹). این نقطه، حلقه‌های فردی و اجتماعی سعادت را با فضای معنوی و آزادی درونی گشته و آزادی و عدالت و شرایط امکان و پی‌جویی سعادت و رستگاری فردی و جمعی را ضمانت می‌کند.

شفافیت

تعاریف مختلف و متفاوتی از شفافیت به عمل آمده است. در نزد متفکران غربی آمده است دانایی و آگاهی شهروندان می‌تواند فساد را مهار کند. در واقع افزایش اقتدار جامعه مدنی در کنار اطلاعات دقیق و قابل‌اعتماد از ستون‌های اصلاحات به شمار می‌روند. شفافیت یکی از مؤلفه‌های مهم افزایش اقتدار و اظهار نظر با صدای مردم است (وینود و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۳۳).

ژوزف استیگلیتز^۸ از زاویه‌ای دیگر به بررسی شفافیت سازی می‌پردازد. به نظر وی عدم شفافیت و علنی نبودن باعث می‌شود که کیفیت تصمیم‌گیری به سطح نازلی برسد. محرمانه بودن تصمیمات باعث می‌شود که حلقه تصمیم‌گیری بسیار کوچک شود. با انجام اشتباهات بیشتر، مقامات برای حفظ خود هر چه بیشتر در لاک دفاعی فرو می‌روند و از این رو به محرمانه‌تر کردن تصمیمات دست می‌زنند. بدین سان این حلقه را کوچک‌تر می‌کنند که نتیجه آن تنزل هر چه بیشتر کیفیت تصمیم‌گیری خواهد بود.

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان/پورقربان و تبشیری

(استیگلیتز، ۱۳۷۹: ۱۸)

امام خمینی درباره شفافیت تعریفی ارائه می‌دهد که به نظر می‌رسد جامعی بر تعاریف ارائه شده می‌باشد چرا که شفافیت را مردمی می‌بیند و نگاه مردم محور بر آن قرار می‌دهند. ایشان می‌فرمایند:

این مسئله مهم است. همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پام را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن... توجه داشته باشند که مبدا من یک وقت یک کلمه برخلاف مقررات اسلام بگویم. اعتراض کنند، بنویسند، بگویند... در صدر اسلام هست که عمر وقتی که گفت - در منبر بود - که اگر من یک کاری کردم شماها چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید این طور باشد. باید مسلمان این طور باشد که اگر - هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می‌خواهد باشد - اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد. (صحیفه امام، ج ۸: ۶ - ۵)

شهید مطهری همواره بر ضرورت وجود آزادی سخن گفته‌اند: ایشان معتقد بودند که رشد اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که آزادی برای افراد وجود داشته باشد. یک کاری انجام دهیم، پوشیده نگاه داشتن آن از مردم ما را از مسیر حقیقت دور می‌کند. اگر رشد می‌خواهیم باید روراست باشیم. (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۳: ۹۲) اگر بستر رشد فکری فراگیر شود تکثر ایجاد می‌شود. امروز و با شرایط رسانه‌ها باید آرایش فراگیر برای مسائل فکری و فرهنگی ایجاد شود.

شهید مطهری بر شفافیت معتقدند: اگر در کشور می‌خواهیم کاری انجام دهیم، پوشیده نگاه داشتن آن از مردم ما را از مسیر حقیقت دور می‌کند. اگر رشد می‌خواهیم باید روراست باشیم. (مطهری، ۱۳۷۲: ج ۳: ۹۴)

پاسخگویی

پاسخگویی جایگاه مهمی در برقراری مردم‌سالاری، حکمرانی خوب و کاهش فساد دارد. در این راستا افزایش و تقویت مکانیزم‌های پاسخگویی به‌عنوان راهکاری عملی در استراتژی‌های مقابله با استبداد مورد توجه حکومت‌ها قرار گرفته است. وجود سیستم کارآمدی از پاسخگویی و شفافیت از سویی باعث حفظ مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی می‌شود و از سوی دیگر می‌تواند از فساد حکومت‌ها جلوگیری کند. پاسخگویی پیش‌نیاز اساسی برای ممانعت از سوءاستفاده از قدرت است و تضمینی است برای اینکه قدرت با بیشترین درجه ممکن از کارایی، تأثیرگذاری، تناسب، آینده‌نگری و تدبیر برای دستیابی به اهداف

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

ملی پذیرفته شده حرکت کند (شریف‌زاده، ۱۳۸۲: ۸). تصمیم‌گیران بخش دولتی، خصوصی و مدنی بایستی نسبت به مسائل عمومی همانند منافع سازمانی و سهامداران خودپاسخ‌گو باشند؛ بنابراین نه فقط بخش دولتی بلکه بخش‌های خصوصی و مدنی نیز بایستی به مسائل عمومی و سازمان خویش پاسخ‌گو باشند (شریف‌زاده ۱۳۸۲: ۱۰۱).

امام خمینی (ره) اساساً معتقدند اسلام حکومت به معنای متعارف ندارد؛ بلکه آنچه در اسلام مورد تأکید است «خدمت‌گزاری به مردم» است: اسلام حکومت به آن معنا ندارد، اسلام خدمت‌گزار دارد. شما خودتان را حاکم مردم ندانید، شما خودتان را خدمت‌گزار مردم بدانید. حکومت همان خدمت‌گزاری است. ایشان همچنین می‌فرمایند: «حکومت باید در خدمت مردم باشند و به مردم حالی کنند که ما خدمت‌گزاریم، حالی کنند لفظاً، حالی کنند عملاً». (صحیفه امام، ج ۱۳، ۳۸۲)

مقام معظم رهبری که از شاگردان امام خمینی (ره) و محصول این سلسله تفکر فلسفی است درباره پاسخگویی اشاره دارند: «پاسخگویی یک مفهوم غربی نیست؛ یک مفهوم اسلامی است. بعضی‌ها از هر چیزی خوششان بیاید، سعی می‌کنند آن را به گونه‌ای به فرآورده‌های افکار و مدنیت غربی منسوب کنند. نه پاسخگویی یک حقیقت اسلامی است؛ این همان مسؤولیت است. مسؤولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌ای که هست، در درجه‌ی اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت تأثیر چه بود؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود. اگر انسان توانست وجدان خود را آرام کند و به ندای اندرون خودپاسخ گوید، خواهد توانست به دیگران هم پاسخگو باشد. (بیانات ۸۳) ایشان همچنین درباره حیطه پاسخگویی می‌فرمایند «این‌که رهبر باید پاسخگوی مشکلات کشور باشد، البته همین‌طور است شکی در این نیست؛ قانون هم موازین پاسخگویی را مشخص کرده است. هر کس به هر اندازه که حوزه اختیارات اوست، باید پاسخگو باشد». (بیانات ۱۳۸۲) با توجه به بیانات مذکور، حوزه پاسخگویی هر مسئول، به اندازه حوزه اختیارات اوست. همچنین مصادیق پاسخگویی هر یک از افراد مسئول در جمهوری اسلامی، شامل پاسخگویی در برابر گفتار، رفتار، تصمیمات، کارها، خطاها و کارهای لازم انجام نگرفته می‌باشد. ایشان بر این نکته تأکید می‌کنند که «از نظر من، هیچ کس مصونیت آهنین ندارد. همه در مقابل قانون و مسؤولیت‌های خودشان پاسخگو هستند و باید جواب بدهند».

کارایی و اثربخشی

کارآمدی دولت از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است و دولت‌ها با وجود داشتن مشروعیت،

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان/پورقربان و تبشیری

اگر کارآمد نباشند، این امر موجب بحران کارآمدی و در نهایت بحران مشروعیت می‌شود. کارایی دولت در نزد متفکران غربی این‌گونه تعریف شده است: (سیاست‌گذاری و اجرا به‌وسیله دولت باید برای حمایت نظام بازار موردتوجه واقع شود، همچنین به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره حاکمیت قانون، عدالت مدیریتی و قضایی مانند پاسخ‌گویی و شفافیت اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان می‌کند. (عاصم اوقلو، ۲۰۰۴)

در نگاه نوصدرائیان علی‌الخصوص امام خمینی (ره) برخلاف نظر اندیشمندان غربی که مهم‌ترین نهادی که تحقق کارایی و اثربخشی را دولت می‌دانند در اندیشه سیاسی امام (ره) همکاری مشترک مردم با دولت سبب کارایی و اثربخشی دولت می‌شود. ایشان جدایی دولت‌ها از ملت‌ها را منشأ همه گرفتاری‌هایی می‌دانند (صحیفه امام، ج ۹، ۱۱۸)؛ و اشاره می‌دارند: نمی‌شود که ملت کنار بنشیند و بگوید دولت همه کارها را بکند، یک همچو خرابه بزرگی را دولت به این زودی‌ها، اگر قدرت ملت نباشد، نمی‌تواند آباد کند.

مشارکت‌جویی

جهان غرب امروزه این‌گونه وانمود می‌کند که بر این نظر بوده که نظرات همه‌ی افراد باید در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود. به‌عبارت‌دیگر همه افراد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بایستی در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت نمایند. موريس دوورژه معتقد است برای تحقق چنین هدفی، ابتدا شهروندان باید مشارکت را تمرین کرده و به‌تدریج یک جامعه مدنی سازمان‌دهی شده، شکل گرفته و در کنار آن آزادی‌های اساسی نظیر آزادی بیان و اجتماعات تضمین شود. از سوی دیگر در سیر تصمیم‌گیری مردم صاحب حق است. اگر جامعه مدنی در سیر تصمیم‌گیری‌ها مشارکتی نداشته باشد سهولت در تصمیم‌گیری‌ها یک هدف غیرممکن به نظر می‌رسد. (دوورژه، ۱۳۸۵: ۹۲)

نوصدرائیان همواره بر مشارکت عموم مردم در تمام شئون حکومت تأکید داشتند. ایشان شرکت مردم در تمام شئون جامعه را تجلی‌گاه اراده‌ی مردم دانسته؛ زیرا معتقدند مردم صاحب قدرت و موجد حکومت‌اند. امام خمینی (ره) درباره مشارکت‌جویی می‌فرماید: مردم در جامعه اسلامی نمی‌توانند نسبت به رفتار سیاسی و جهت‌گیری‌های اجتماعی زمامداران خود بی‌تفاوت باشند. مردم موظف‌اند بر سیاست‌گذاری‌ها و اعمال دولت و کارگزاران نظام اسلامی نظارت نموده و با اظهار نظریات مشورتی و خیرخواهانه خود، موجبات استحکام و بهبودی دولت اسلامی و اصلاح زمامداران خویش را فراهم سازند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

عنصر نظارت مردم بر دولت اسلامی، از طریق روش‌های مشخصی چون امر به معروف، استشاره و نصیحت حاکم و حسبه انجام می‌شود». «... و آقایان توجه کنند و همه و همه ملت موظف‌اند که نظارت کنند بر این امور... همه ملت موظف‌اند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است (صحیفه امام، ج ۷: ۳۴).

مبارزه با فساد

اغلب محققان غربی مانند مورو^۹ و بندسن، رویکرد بالا به فساد را نادرست دانسته و بیان می‌کنند فساد به روش‌های گوناگون باعث تضعیف رشد می‌شود. (مورتن، ۱۳۸۲: ۳۸) که این مسئله از دیر باز در اندیشه نوصدرائیان مطرح بوده است. امام خمینی^(ره) در این باره می‌فرمایند: ما با تکیه بر دستورات اسلامی و اجرای مقررات آن در همه زمین‌ها تلاش خواهیم کرد که از سویی دست عناصر فاسد کوتاه شود و از طرفی انگیزه‌های فاسد کننده نابود شود؛ و دیگر اینکه عموم مردم را موظف می‌دانیم که انحراف از مسیر اسلامی را در هر کجا که می‌بینند از پایین‌ترین و بالاترین مقامات بلافاصله جلوگیری کنند؛ و بدین ترتیب از رشد فساد جلوگیری می‌شود و مجال بر عناصر فاسد نیز بسته می‌ماند. (۱۸ / ۸ / ۵۷)

مقام معظم رهبری در فرمایشی کامل‌تر از نظرات اندیشمندان غربی اشاره می‌دارند: خشکانیدن ریشه‌ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به‌وسیله‌ی قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه‌ی مجریه و قضائیه است. «(۱۳۸۰، ۰۲، ۱۰) این جملات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره‌ی مبارزه با مفاسد اقتصادی به‌روشنی خواست قاطعانه‌ی ایشان برای مبارزه با فساد از سوی قوای سه‌گانه را نشان می‌دهد. مسئله‌ای که همواره در دوران رهبری از سوی ایشان به شکلی جدی مطالبه و پیگیری شده است.

رهبر انقلاب همواره تأکید داشته‌اند که اولویت دادن به مسئله‌ی پیشگیری است: «در مبارزه‌ی با فساد، در درجه‌ی اول، مسئله‌ی پیشگیری است.» (۱۳۹۰، ۰۷، ۲۰) و در این زمینه شناخت «بسترهای تولید فساد» و ریشه‌کنی آن اهمیتی به سزا دارد: «در زمینه‌ی فساد هم به بسترهای فسادخیز توجه بشود... یعنی بایستی با نگاه کارشناسی، زمینه‌ی بروز فساد را و تولید فساد را شناسایی کرد، شناخت و با همان نگاه کارشناسی، به جنگ فساد رفت و برای ریشه‌کنی فساد تلاش کرد و کار کرد.» (۱۳۹۹، ۰۴، ۷)

عدالت و برابری

در اندیشه ورزی غربی دربار عدالت و برابری به صراحت آمده است: نابرابری در ثروت و قدرت و شأن اجتماعی به‌رغم شباهت در استعدادهای افراد، واقعیت انکارناپذیر همه جوامع بوده است. گذشته از آن،

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نو صدرائیان/پورقربان و تبشیری

هیچ رابطه معناداری میان نابرابری در ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادهای طبیعی وجود نداشته است. (یولیانی، ۲۰۰۰: ۲۸)

در اندیشه استاد مطهری زمانی سعادت اجتماعی محقق می‌شود که به مقوله عدالت و تأمین آن توجه شود؛ به عبارت دیگر، عدالت اجتماعی عبارت است از یکی از شرایط تحقق سعادت در جامعه. ایشان هم به «عدل الهی» و هم به «عدل اجتماعی» در مواضع مختلف پرداخته‌اند (عدل الهی، ۳۵، مبانی اقتصاد اقتصادی، ۲۹، ۱۴) استاد مهم‌ترین مباحث خود را درباره عدالت را چنین می‌داند: ۱. تعریف عدالت ۲. اقسام عدالت (روحی، جسمی، مزاجی و اجتماعی) ۳. موجبات عدالت اجتماعی (قانون خوب، اجرای مجربان، رشد عمومی) ۴. آثار عدالت (تعادل فکری و اخلاقی و عملی و آسایش روحی) (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲: ۲۲۶). در نگاه ایشان «برابری» انگاره اصلی موجود در مفهوم عدالت است، اما اینکه این برابری چگونه تعریف شود، اهمیت دارد. اینکه عدالت چونان برابری صرف تعریف شود، نادرست است؛ چرا که: «سهم برابر همگان، نابرابری است». از این منظر، استاد مطهری تعریف عدالت چونان برابری‌های تراز کننده را مردود می‌شمارد. از نظر او، در عدالت باید نوع دیگری از برابری در نظر باشد، اینکه حق هر کس به او داده شود.^{۱۰}

استاد مطهری، عدالت فکری و عدالت اخلاقی را مقدمه‌ای برای عدالت اجتماعی می‌داند (همان، ج ۴: ۹۵۴) و به این وسیله میان اخلاق و معنویت با عدالت در جامعه و حکومت نیز پیوند برقرار می‌کند؛ چنانکه تا فرد و جامعه ظرفیت لازم اخلاقی و تربیتی برای عدل‌پذیری و تحمل عدالت را نیابند، قسط و عدالت اجتماعی در جامعه محقق نمی‌شود و به همین دلیل استاد در سه محور عدالت را مطرح کرده‌اند: الف. معانی و مفاهیم عدالت (بنای تساوی در وضعیت مساوی، تفاوت در وضعیت متفاوت، اعطای حق صاحب حق، تشابه و همگونی و توازن، قرار گرفتن هر چیزی در جای خود).

ب. ارکان عدالت (قانون عادلان، حکومت عدل و حاکم عادل، جامعه عدالت‌پذیر، نیروهای مجری عدالت یا عادل و عدالت‌خواه و نیروهای مدافع عدالت) ج. ابعاد عدالت (عدالت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، بهداشتی و قضایی).

استاد مطهری مهم‌ترین تقسیم عدالت را دو قسم تکوینی و تشریحی دانسته و عدالت تشریحی را در راستای هدایت فرد و جامعه می‌داند که مبتنی بر قوانین و دستورهای الهی عادلانه است (همان، ج ۴: ۹۵۲) و در عدل تشریحی مسأله عدل در جامعه یا عدالت اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. چه اینکه اگر نظام اجتماعی عادلانه نباشد، جامعه دچار عدم تعادل خواهد شد. (همان، ج ۲: ۲۰۴) ایشان موضوع عدالت

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

اجتماعی را چهار قسم تقسیم کرده‌اند: ۱. عدل خانوادگی ۲. عدل قضایی ۳. عدل اصلاحی اجتماعی ۴. عدل سیاسی (همان: ۲۲۵).

بنابر اندیشه استاد مطهری اگر بخواهیم اندیشه وی را تعریف کنیم باید بگوییم که در نگاهی کلی و با یک تقسیم منطقی می‌توان علل وجود نابرابری که ظاهرترین وجه اجتماعی آن نابرابری درآمدی و نابرابری در فرصت‌ها است را به دودسته تقسیم نمود. دسته اول تفاوت‌های طبیعی و ذاتی انسان‌هاست که قابل رفع نبوده و بر اساس حکمت الهی شکل گرفته‌اند. در واقع، از آنجاکه انسان‌ها هیچ‌یک به‌طور مطلق و همه جانبه با یکدیگر برابر و مشابه نیستند، بنابراین توقع برابری مطلق انتظاری غیر واقعی خواهد بود. دسته دوم عوامل غیر ذاتی هستند. این عوامل اغلب به دست بشر است خود به سه دسته کلی تقسیم می‌شود. دسته نخست، بهره‌مندی از امکانات و فرصت‌های اولیه مانند برخورداری از تحصیلات آموزشی و بهداشتی بوده و دسته دوم ویژگی‌های کاری مانند مفاد قراردادهاست در حوزه عدالت اقتصادی؛ دسته سوم، عوامل ساختاری مانند ربا، تورم، بی‌عدالتی در نظام دستمزدها و بی‌برنامگی در هزینه کرد درآمدهای دولتی است که نابرابری را دامن می‌زند. برای رفع نابرابری‌ها و ایجاد عدالت می‌بایست فرصت‌های متناسب با وضعیت هر فرد در جامعه مهیا شده و تبعیض‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مرتفع شود (مرتضوی کاخکی، حقیقی و مهدوی عادل، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۳).

نتیجه‌گیری

امروزه حکمرانی خوب از جمله نظریاتی است که مورد توجه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه جهان قرار گرفته است، در نزد اندیشمندان غربی حکمرانی خوب نشان از آن دارد که نظریات متعددی از سوی نهادها و نظریه‌پردازان مختلف بیان شده است. در تعریف آن‌ها، حکمرانی به معنای اعمال قدرت در حوزه تفویض شده است؛ که نشان از آن دارد که این مفهوم همانند سایر مفاهیم کلیدی در مباحث توسعه‌ای اخیر به‌وسیله گروه‌هایی با باورها و ایدئولوژی‌های متفاوت برای اهداف متفاوت و گاه متناقض مورد استفاده قرار گرفته است. از همین رو این بحث موضوعی است که انطباق آن با اندیشه سیاسی اندیشمندان شیعی بررسی نشده است؛ بنابراین، شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان نیز، مبهم باقی‌مانده است. از این‌رو، با این پرسش که شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان چیست؟ مواجهیم. به اعتقاد نویسندگان این پژوهش، اندیشه سیاسی نوصدرائیان با توجه به بهره‌گیری از منابع فقهی نقل و عقل از ظرفیت سیاسی، برخوردار است. این پژوهش به شیوه توصیف-تحلیلی درصدد دستیابی به شاخص‌های حکمرانی خوب دینی (بومی) از نگاه نوصدرائیان بود و همچنین به دنبال نسبت‌سنجی شاخص‌های حکمرانی خوب بر اساس آموزه‌های اندیشه نوصدرائیان و ترمیم مدل غربی آن بود،

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نوصدرائیان/پورقربان و تبشیری

از نتایج مقاله پیش رو؛ به بیان دیگر، با اعتقاد به اینکه نظریات ایشان از موضعی درون دینی و ذیل گفتمان ولایت فقیه مطرح می‌شود، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های حکمرانی خوب به زبانی متفاوت و در قالب واژگان اسلامی همچون مشورت، امر به معروف، نهی از منکر و... در اندیشه سیاسی ایشان نمود بارزی دارد. بنابراین می‌توان چنین ادعا کرد که تحقق حکمرانی خوب در اندیشه نوصدرائیان مستلزم کنش متقابل بین نهادهای رسمی یا دولتی و نهادهای جامعه مدنی است که نوعاً بر تقویت عرصه عمومی تأکید کرده و از آنجا که در چنین فرآیندی نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره امور عمومی شرکت می‌کنند، سازگاری منافع و رفع تعارضات از جمله امور قابل انتظار از این فرآیند خواهد بود. همچنین حکمرانی خوب در اندیشه آن‌ها نوعاً سه گروه اصلی از بازیگران را شامل می‌شود: حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی. بر همین سیاق، حکمرانی در اندیشه آن‌ها بر «فرایند» تأکید دارد و ناظر بر آن است که تصمیمات با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت‌ها و سلايق متفاوت اتخاذ می‌شوند. به یک معنا حکمرانی، توافقی بین اولویت‌ها و سلايق رقیب و حتی گاهی متضاد برقرار می‌کند، چیزی که اساس و شالوده مفهوم حکمرانی را تشکیل می‌دهد

همچنین در بحث از اداره امور عمومی در اندیشه نوصدرائیان می‌توان به دو مدل کلان استناد کرد؛ نخست مدل حکومت محور که آن گونه که از نام آن برمی‌آید، مسئولیت تمام امور را بر عهده حکومت و مشخصاً نهاد دولت می‌گذارد. در این مدل حکومت موظف است که تمامی خدمات لازم به منظور مصرف جامعه مدنی و شهروندان را فراهم کند؛ اما مدل دوم تحت عنوان مدل حکمرانی مسئولیت اداره امور عمومی را میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم می‌کند. در مدل اخیر هر سه بخش مذکور در تعامل با یکدیگر قرار دارند به گونه‌ای که ضعف در کارکرد یکی لاجرم به افزایش قدرت بخش یا بخش‌های دیگر منجر شده و نهایتاً تعادل سیستم را با اختلال روبرو کرده و واجد کژ کاری‌ها برای آن خواهد بود. از این رو، ایجاد ارتباط و تعادل لازم و نیز تفکیک وظایف هر یک از سه بخش پیش گفته امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد.

لذا می‌توان گفت در اندیشه نوصدرائیان، حکومت به عنوان یک نهاد و یا مجموعه‌ای از نهادها نگرسته می‌شود و تنها یکی از چندین بازیگر اصلی در اجتماع است. هنگامی که حکومت برای انجام وظیفه‌ای خاص واجد ظرفیت اقدام و توان لازم نباشد، سایر بخش‌های پیش گفته، وارد عمل شده و آن وظیفه را به انجام خواهند رساند.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

منابع

- ۱) توماس، وینود (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب و مبارزه با فساد»، ترجمه عباس مخبر؛ تهران، دفتر بررسی‌های اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۲) جاسبی، جواد و نفری، ندا (۱۳۸۸). «طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم‌های باز»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال چهارم، شماره ۱۶.
- ۳) ایمانی جاجرمی، حسین، صدیق سروستانی، رحمت اله و فیروزآبادی، احمد (۱۳۸۶). «تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴.
- ۴) خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۶ فروردین .
- ۵) _____، (۱۳۸۲). جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۲۲ اردیبهشت.
- ۶) دباغ، سروش و نفری، ندا (۱۳۸۸). «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، نشریه مدیریت دولتی، دوره اول، شماره سوم.
- ۷) رهبر، فرهاد و میرشجاعیان حسینی، حسین (۱۳۹۰). «شناخت روابط علی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای در مخاطره نفرین منابع طبیعی»، مجله نامه مفید، شماره ۸۷.
- ۸) موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۸۸). کشف الاسرار، بی‌نا.
- ۹) _____ (۱۳۷۸). صحیفه امام
- <http://www.imam-khomeini.ir/fa/page/210/?kind=279>
- ۱۰) مهری پرگو، وجیهه (۱۳۸۸). «حکمرانی خوب و جامعه رانتیر»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۶.
- ۱۱) سامتی، مرتضی (۱۳۹۰). «تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۴.
- ۱۲) مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵). «مفهوم حاکمیت قانون، مفاهیم و برداشت‌ها»، تهران: دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ۱۳) مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵). مفهوم حاکمیت قانون، مفاهیم و برداشت‌ها. دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران، زمستان.
- ۱۴) مهرگان، نادر و دیگران (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص‌های فساد بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی»، نشریه دانش ارزیابی، سال اول، شماره دوم.

نسبت سنجی مفهوم حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی نو صدرائیان/پورقربان و تبشیری

- ۱۵) موریس، دوورژه (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ پنجم، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶) شریف‌زاده، فتاح، قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، شماره ۴.
- ۱۷) قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). «حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت»، با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، دفتر گسترش تولید علم.
- ۱۸) کایر، آنه مته، ابراهیم گلشن (مترجم)، علی آدوسی (مترجم)، (۱۳۸۶). «حاکمیت»، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۱۹) ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۷). «حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی»، فصلنامه علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶.
- ۲۰) نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی»، نشریه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱.
- ۲۱) یزدانی زنور، هرمز (۱۳۸۸). «بررسی نقش شفافیت در تحقق حکمرانی مطلوب»، فصلنامه حقوق عمومی، شماره ۵.
- ۲۲) ایمانی جاجرمی، حسین، صدیق سروسستانی، رحمت اله و فیروزآبادی، احمد (۱۳۸۶)، «تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴.
- ۲۳) یزدان‌شناس، مهدی و ابراهیم، باطنی (۱۳۸۵). «نگاهی به فرآیند شکل‌گیری دولت الکترونیک و چالش‌های فراروی آن»، مجله‌ی فقه و حقوق، شماره ۹.
- ۲۴) مهرگان، نادر و دیگران (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص‌های فساد بر رشد اقتصادی در کشورهای اسلامی»، نشریه دانش ارزیابی، سال اول، شماره دوم.
- ۲۵) مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
- ۲۶) عبدالتیف، آدلم (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و رابطه آن با دموکراسی: [www.Iraq.Pogarorg/publications/governance/aa/good go/pdf](http://www.Iraq.Pogarorg/publications/governance/aa/good%20go/pdf)
- ۲۷) یوهانسون، سیمون (۱۳۸۳). نهادها به‌عنوان علت اساسی رشد بلندمدت: <https://economics.mit.edu/files/4469>
- ۲۸) مورتن، بندن (۱۳۸۲). نهادها و رشد، مرکز تحقیقات اقتصادی و تجاری CEBR.

فصلنامه رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره ۶، تابستان ۱۴۰۱

۲۹ حکمرانی خوب (۲۰۰۷). شیوه‌های خوب حاکمیت برای حمایت از حقوق بشر: دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای انتشار ملل متحد، نیویورک و ژنو.

۳۰ سازمان ملل (۲۰۰۲). شاخص حاکمیت شهری، ابزاری از کیفیت حاکمیت شهری، بیروت.

۳۱ استیگلitz، جوزف یوجین (۱۳۷۸). در مورد آزادی، حق دانستن و گفتمان عمومی؛ نقش شفافیت در زندگی عمومی و عفو، دانشگاه آکسفورد.

۳۲ بانک جهانی (۱۹۹۷). گزارش توسعه جهانی، واشنگتن: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

۳۳ یولیانی، الیزابت لیندا (۲۰۰۰) "عدم تمرکز، تجزیه و انحطاط و انحراف، منظور آن‌ها چیست؟
<https://acikerisim.uludag.edu.tr/bitstream/11452/15339/3/Mehmet%20Fatih%20Alanta%C5%9F.pdf>

۳۴ مک کینلی، پیتر (۱۹۹۹)، جهانی‌سازی و فعال کردن حاکمیت جوامع ما:

www.mdi.co.nz.

۳۵ کاپر، کافمن (۱۳۸۶). حکمرانی خوب و شاخص‌ها حاکمیتی برای بانک جهانی.

یادداشت‌ها:

1 Good Governance

2 kooiman

3 UNDP

4 UNDP

۵ صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی ملقب به ملاصدرا «۹۸۰ - ۱۰۴۵ ق - ۹۵۱ - ۱۰۱۴ ش»
عروش فکری ملاصدرا نه یک روش صرف عارفانه است و نه یک روشی فلسفی محض است و نه حتی روشی که استدلال‌های آن مبتنی بر حسن و قبح عقل باشد.

۷ (م۱۹۸۱)

8 Joseph Eugene Stiglitz

9 Mauro

۱۰ اغطاء کل ذی حق حقه